

فستیوال هنر ایران از تاریخ ۲۱ شهریور تا ۲۱ مهر سال ۱۳۷۰ در شهر دوسلدرف آلمان در جهت معرفی و عرضهٔ بیش از یکصد و پنجاه اثر هنری ایران در زمینه‌های فرش، مینیاتور، کالیگرافی، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، کاشی و سرامیک و ایجاد کارگاههایی زریبافی، قالیبافی، قلمزنی، نازک‌کاری چوب، ساخت سازه‌های سنتی و اصیل، همراه با ارائهٔ نمونه‌های ارزندهٔ صنایع دستی ایران برپا گردید. این فستیوال بی‌تردید یکی از مهمترین رویدادهای هنری و به‌دیگر بیان، نخستین گام در معرفی هنرهای ارزشمند سنتی ایران در سطحی وسیع

در خارج از کشور محسوب می‌گردد. هم به دلیل اهمیت این حرکت و اقدام ارزشمند فرهنگی و هنری، گفتگویی طولانی با آقای مهندس ابوالقاسم خوشرو، معاون محترم امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، و آقای سید محمد صفحی، مدیر کل مرکز هنرهای تجسمی و مدیر اجرایی فستیوال هنر ایران، از سوی هیأت تحریریه فصلنامهٔ هنر انجام پذیرفته است که فشرده‌ای از این گفتگو، به دلیل محدودیت صفحات، جهت آگاهی و اطلاع دوستان اران هنر ایران به چاپ رسیده است.

نخستین گام در معرفی برون‌مرزی هنرهای سنتی ایران

■ هدف اصلی از برپایی فستیوال هنر ایران در دوسلدرف را چگونه بررسی می‌کنید و اساساً این فستیوال چه پیامی را در بر داشت؟

□ هدف اساسی برمی‌گردد به فعالیتهای برون‌مرزی ما، در معرفی چهرهٔ فرهنگ و هنر ایران اسلامی - همان فعالیتهایی که با طراحی‌هایی لازم در معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تقسیم‌بندی شده و در زمانها و مکانهای مختلف می‌توان نمونه‌هایی از هنر ایران را مطرح کرد. فستیوال هنر ایران در دوسلدرف هم در چهارچوب همین طرح، برنامه‌ریزی شد و آثاری از هنر ایران را معرفی کرد. خصوصاً که در طی سالیان گذشته، ما کمتر فرصت این را داشتیم که هنر خود را به مردم جهان معرفی کنیم، و با توجه به تبلیغات مسمومی که توسط رسانه‌های غربی و گروههای مطبوعاتی، تلویزیونی و خبری دنیا علیه انقلاب اسلامی خصوصاً در طول جنگ تحمیلی اعمال شده بود، ما در واقع با برپایی این فستیوال قصد داشتیم به نوعی چهرهٔ واقعی و حقیقی هنر ایران را مطرح کنیم. از یاد نباید برد که این حرکت را شروع کار قلمداد می‌کنیم و بی‌تردید برای آینده می‌باید که برنامه‌های گسترده‌تر و با محتوای غنی‌تری را به یاری خدا عرضه نماییم.





پروژه نگاه به علم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

■ با توجه به بار معنایی گسترده عنوان فستیوال هنر ایران، آیا به نظر شما این فستیوال جوابگوی معرفی ارزشهای هنرهای اصیل ایران در یک طیف وسیع و گسترده بوده است؟

□ من فکر می‌کنم با توجه به گستردگی و تنوع هنرهای ایرانی، مادر واقع نه فرصت آن را داشتیم و نه امکاناتش را، که بتوانیم تمام هنرهای ایرانی را در فستیوال عرضه کنیم. چندانکه این کار را حتی در داخل کشور خودمان هم تا به حال نتوانسته‌ایم به انجام برسانیم، بلکه در حد امکانات، موفق به ارائه نمونه‌هایی از هنر ایران در فستیوال شدیم. در این فستیوال، روی چند موضوع از جمله: فرش، نقاشی، مینیاتور، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، با انتخاب نمونه‌های ارزشمند، و خط - نقاشی و بخش

کارگاههای سنتی از قبیل زیربافی، معرق چوب، خاتمکاری، نازککاری روی چوب، ساخت سازهای اصیل ایرانی، معرق کاشی، قالببافی و قلمزنی تأکید داشتیم. ضمن آنکه خود آگاهیم این رشته‌ها در مقابل تنوع رشته‌های هنر سنتی ایران، جزئی از معرفی را شامل می‌شد که دلیل عمده آن کمبود امکانات به لحاظ فضا و عدم امکانات مالی برای اعزام گروههای بی‌شمار بوده است. فراموش نباید کرد که ما بیش از صد رشته هنر سنتی داریم. بالطبع، توانایی اینکه تمامی این رشته‌ها را بتوانیم در این فستیوال عرضه کنیم نداشتیم. در بخش موسیقی با اعزام گروههایی از بوشهر، بختیاری، تربت جام، بلوچستان، قوچان، ساری،



گنبد، آذربایجان و نیز دو گروه موسیقی سنتی، در جهت معرفی موسیقی اصیل و سنتی ایران ادای دین کردیم. چندآنکه با اعزام دو گروه تئاتر و تشکیل جلساتی پیرامون تئاتر و هنرهای ایران، جدا از هنرهای تجسمی، به تئاتر و مباحث کلی هنر ایران در حد امکان پرداخته شد.

با آنکه ما تمام رشته‌های هنر سنتی را در فستیوال عرضه نکردیم، اما فکر می‌کنم این فستیوال بزرگترین فستیوال جهت عرضه نمونه‌های هنر ایران و ایجاد امکانات برای هنرمندانی بود که در طول مدت مشخصی توانستند در کشوری خارجی هنرنمایی نمایند. البته نباید فراموش کرد که در برنامه‌ریزی ما هم این هدف نبود که تمام هنرهای ایرانی را یکجا در فستیوال ارائه نماییم.

برنامه‌ریزی ما بر این اساس است که در آینده رشته‌های هنری را در شهرهای مختلف دنیا در طی یک برنامه چندساله در معرض دید و قضاوت جهانیان قرار دهیم. ■ با توجه به اینکه در طی سالیان گذشته، اولین بار است که فستیوالی در تجلیل هنرهای اصیل و سنتی در خارج از کشور برپا می‌شود، چگونه است که یک شرکت تجاری خارجی سهم یا سهامی از مخارج آن را بر عهده می‌گیرد؟

□ این نکته جالب است که شما دریابید اغلب فستیوالها و جشنواره‌های مهم هنری را در جهان، مؤسسات مالی شرکت‌های صنعتی و شرکتهای غیر انتفاعی از نظر مالی پشتیبانی می‌کنند. اصولاً در جهان این یک شیوه مرسوم و معمول است که هزینه‌های این فستیوالها را باید این شرکتها بپردازند. البته یادتان باشد این شرکتها هم کار فوق العاده‌ای انجام نمی‌دهند. طبق قوانینی که در اغلب کشورهای جهان رایج است، با جزئی اختلاف، اکثر قریب به اتفاق آنها در این نکته متفق هستند که هزینه‌هایی که در زمینه‌های فرهنگی، هنری توسط این شرکتها انجام می‌شود، به حساب مالیات آنها منظور می‌گردد.

اگر در چهارچوب این فستیوال شما به موضوع نگاه کنید، متوجه می‌شوید که ما در این فستیوال توانستیم از امکاناتی که برای معرفی هنر و فرهنگ ایران بود استفاده کنیم. وگرنه هیچ اتفاق خاصی نیفتاده، ما فقط از امکاناتی که سالها به دلیل عدم شناخت مکانیسمها استفاده نمی‌کردیم سود جستیم. همچنان که در کشور خودمان نیز از این مکانیسم استفاده کردیم؛ به طوری که هزینه‌های مالی این فستیوال را شرکت نفت، شرکت شیلات و یکی از شرکتهای وزارت بازرگانی عهده‌دار شدند. این هم بر اساس اختیاراتی است که قانون مالیاتها به دولت می‌دهد. و این شرکتها هم توانستند با مشارکت خودشان قسمت قابل قبولی از هزینه‌های مالیاتیشان را صرف فعالیتهای هنری و فرهنگی کنند. باز هم می‌بینیم که ما در کشور خودمان هم این امکان برابمان وجود داشته که طبعاً بخش هنر و فرهنگ کمتر از آن استفاده کرده است.

من فکر می‌کنم این فستیوال گام مبارکی بود که برداشته شد. امیدوارم در آینده بتوانیم در بخشهای هنری و فرهنگی از این امکانات بیشتر استفاده کنیم.





دولت در مورد این فستیوال داشته به این شرکتها داده است تا اینکه آنها بتوانند از این اهرم مناسب برای به کارگیری صحیح و درست از پرداختهای مالیاتیشان در زمینه‌های هنری و فرهنگی استفاده کنند.

■ معیار و ضوابط شما در انتخاب آثار و دعوت از هنرمندان چگونه بوده است؟

□ در ابتدا که بحث دربارهٔ این فستیوال بود روی موضوعاتی به توافق رسیدیم که به طور مثال در زمینهٔ فرش، کالیگرافی، سرامیک و نقاشی قهوه‌خانه‌ای آثاری را به نمایش بگذاریم و در زمینهٔ موسیقی سنتی گروههایی را انتخاب کنیم. زمانی بعد برای ما مشخص شد که مثلاً

بی شک، فعالیتهای فرهنگی و هنری چون خدماتی است که مربوط به عموم مردم می شود، ضرورتاً باید یک مکانیسم خاص اقتصادی برایش در نظر گرفت تا دستگاههایی که به نوعی توانایی مالی دارند بتوانند در این امر مهم مشارکت نمایند. چرا که در پرتو این مشارکتهاست که هنر ما در سطح ایران و جهان مطرح می شود. وگرنه، با توجه به هزینه‌های سنگینی که فعالیتهای هنری و فرهنگی دربر دارد، نمی توان انتظار داشت که این هزینه‌ها از بودجهٔ عمومی دولت تأمین شود. یقیناً دستگاه قانونگذاری هم در کشور به این نکته توجه داشته است که این اختیار را طبق مصوبه‌ای که هیأت

از بوشهر يك گروه موسیقی، از قوچان و آذربایجان گروه‌های دیگری را انتخاب کنیم. بعد از این انتخاب‌های اولیه، سعی ما بر این شد که بهترینها را انتخاب کنیم. چندان مشکلی هم در راه انتخاب بهترینها نداشتیم. مثلاً در زمینه کالیگرافی مشخص بود که در کشور ما چه کسانی فعالیت می‌کنند که انتخاب شدند. البته در پاره‌ای از موارد محدودیت‌هایی هم داشتیم، آن هم به لحاظ اثری بود که می‌بایست در نمایشگاه ارائه می‌شد. به طور مثال در زمینه فرش، ما این محدودیتها را بیش از سایر هنرها داشتیم؛ چرا که این آثار باید به صورت امانت از کشور خارج می‌شد و هیچ کدام هم متعلق به مؤسسات دولتی نبود. طبعاً رضایت هنرمند توأم با شرایطی بود که بیمه کردن آثار جزء شرایط اولیه بود. یا که در زمینه نقاشی قهوه‌خانه‌ای توافق بر این شد که تنها يك استاد شرکت کند، یا در زمینه مینیاتور سه یا چهار استاد شرکت نمایند و آثارشان عرضه شود. ما با توجه به شرایط و امکانات مهیا سعی و تلاش خود را کردیم، مگر اینکه در بعضی موارد یا آثار هنرمند در دسترس نبود یا که خود هنرمند در داخل کشور نبود. با این همه، بعضی از هنرمندان مثل استاد فرشچیان، که در داخل کشور نبودند، آثارشان را در فستیوال ارائه دادند و نقش فعالی در اجرای فستیوال داشتند. خوب است در این زمینه آقای صحفی، مدیر اجرایی فستیوال هنر ایران، نیز نظرهای خود را مطرح نمایند.

■ شما به عنوان مدیر اجرایی فستیوال هنر ایران در دوسلدرف، در زمینه انتخاب آثار و دعوت هنرمندان چه نظری دارید؟

○ با توجه به موانعی که وجود داشت، هر رشته هنری بعد از تصویب معاونت هنری در فستیوال مشخص می‌شد. شرط دیگر انتخاب، این بود که آثاری در فستیوال عرضه شود که مربوط به هنرمندانی باشد که در قید حیات هستند. در واقع ما هیچ نظر و نگاهی به آثار موجود در موزه‌ها نداشتیم؛ چرا که سازمان میراث فرهنگی در این زمینه می‌تواند اظهار نظر کند و چنین فستیوال‌هایی را به مرحله اجرا درآورد. ما با چنین برنامه‌ای کار انتخاب را شروع کردیم و با شرط اینکه آثار هنری هر هنرمند تا بازگشت بیمه شود، آنها را در برنامه فستیوال قرار دادیم.

گاهی هم مشکلاتی پیش می‌آمد. به طور مثال، هنرمند اثر یا آثاری شایسته و قابل تحسین داشت، اما این آثار در اختیار خودش نبود. ما هم قصد آن را نداشتیم که خودمان را با مجموعه‌داران طرف کنیم. ما سعی کردیم با انتخاب آثاری که هنرمندان در اختیار داشتند، تصویر روشنی از هنر و هنرمندان بزرگوار کشورمان در فستیوال ارائه نماییم. در واقع، ما چهره هنر و هنرمندان معاصر و در قید حیات را در معرض ارزیابی قرار دادیم. شاید هم به همین دلیل بود که روی آثار هنرمندانی که در گذشته بودند حساب نکردیم. با تمام این احوال، شکی نیست که برای معرفی هنرمندان گذشته و آثار افتخار آفرین و بی‌همتای آنان نیز باید برنامه‌ریزی دقیقی به مرحله اجرا درمی‌آمد که حداقل جای این معرفی در فستیوال نبود.

■ اشاره به سازمان میراث فرهنگی کردید. جدا از آثار هنری گذشته ما در موزه‌ها، چرا از کارگاه‌های هنری این سازمان نمی‌بایست استفاده می‌شد یا از آثار هنرمندان معاصر ایران که در اختیار سازمان است؟

○ من فکر می‌کنم اگر قصد ما برپایی فستیوالی بود که بتوانیم در آن فستیوال تمام آثار هنری را شرکت دهیم، سخن شما جا داشت. اما ما در آن فستیوال قصد داشتیم بخشی از هنرهای سنتی و کارگاه‌های هنری را معرفی کنیم. نکته دیگر اینکه ما در زمینه همکاری با سازمانهای هنری و فرهنگی اصولاً مشکلاتی را داریم و نمی‌توانیم آن مشکلات را هم کتمان کنیم. بالطبع، سازمان میراث فرهنگی دارای مدیریت جداگانه‌ای است، زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی است و جدا از تمام این مقولات، سازمان معرفی هنر ایران را به عنوان الویت در صدر برنامه‌هایش قرار نداده است و شاید هم به همین دلیل مکانیسم‌های لازم را برای انتقال آثار هنری به خارج از کشور در اختیار ندارد.

با توجه به اینکه ما برنامه‌ای را طراحی کرده بودیم و بایستی در زمانبندی مشخص اجرا می‌شد، طبعاً فرصت لازم را برای آنکه آثار بتواند از موزه‌ها خارج شود و شرایط حقوقی و قانونی‌اش را سپری کند نداشتیم. زیرا همان‌طور که می‌دانید خروج بعضی از این آثار یا عمده آنها احتیاج به مصوبات خاصی دارد، که بدیهی بود در زمان خاص پیش‌بینی شده‌ما عملاً فرصت چندانی برای

طی این مراحل وجود نداشت. با این همه، فکر می‌کنم با جدی شدن این‌گونه طرحها در خارج از کشور، ضروری است سازمان میراث فرهنگی کشور هم زمینه‌های مناسب برای اجرای طرحهایی از این نوع را فراهم کند. در این جهت اگر کمکی هم از جانب ما خواسته شود، در خدمت آنان هستیم. اما نکته مهمی هم در برنامه‌های برون مرزی وجود دارد و آن وحدت فرماندهی است. اگر این مهم در قسمت اجرایی اعمال نشود ما با مشکلات زیادی مواجه خواهیم شد. روشتر بگویم، ما وقتی با طرف خارجی برنامه‌هایمان را زمانبندی می‌کنیم، باید مسؤلیت حل و فصل تمام مسائل داخلی کار در داخل کشور را بپذیریم. ما به آنها نمی‌توانیم بگوییم مثلاً فلان موزه به سبب نداشتن فلان مصوبه، نمی‌تواند آثارش را بدهد. معلوم است در این صورت در برنامه‌ریزی اغتشاش به وجود می‌آید و لطمه جدی به تداوم و اجرای برنامه‌های هنری و فرهنگی برون مرزی خواهد زد.

■ آیا این مهم شامل کارگاههای هنری میراث فرهنگی کشور هم می‌شود؟ یعنی در واقع آثاری که خارج از مقررات و قوانین موزه‌هاست؟

○ فکر می‌کنم مشکلات وجود دارد، البته نه مشکلاتی قابل توجه؛ چرا که مقداری از آنها مربوط به اساس مصوبات می‌شود که جنبه عمومی دارد و قابل حل است و نیازمند تکرار و تمرین کارهای مشترک. یعنی در واقع ما بتوانیم در یک پروژه مشترک به نتایج مورد نظر برسیم.

■ با توجه به اینکه مدت زمانی از اختتامیه فستیوال هنر ایران می‌گذرد، تجارب کسب شده در طول برپایی فستیوال را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ مهمترین دستاوردی که برپایی فستیوال هنر ایران برای مسؤلین فرهنگی و هنری کشور داشت این بود که ما ظرفیتهای خودمان را شناختیم. من روی نکته‌ای تأکید می‌کنم. ما فستیوال را با امکانات محدود شروع کردیم، اما در عمل، همزمان با اجرای کار، به پیشرفتهای مورد نظر رسیدیم. شاید ذکر این نکته هم مهم باشد، بخصوص برای هنرمندان، که ما فستیوال را در واقع با هیچ شروع کردیم. حتی در آغاز کار نمی‌دانستیم که شرکتها و مؤسسات تجاری دولتی هم می‌توانند با توجه به تسهیلات مالیاتی که دارند، به ما در این امر کمک کنند. در واقع برپایی این فستیوال مرهون جسارتی بود که

برنامه‌ریزان فرهنگی و دست‌اندرکاران اجرایی هنر کشور به خرج دادند. جای خوشحالی است که بعد از طی این مراحل و کسب موفقیتها، ما اینک شاهد پیشنهاداتی از سوی دیگر کشورهای هستیم که خیال می‌کنند ما طراحی مشخص، برنامه‌ریزی معین و بودجه مالی قابل توجهی برای برپایی فستیوال هنر ایران در دوسلدرف داشتیم. حال آنکه فستیوال دوسلدرف يك پیشنهاد بیشتر نبود و در عمل توانست به برپایی بزرگترین فستیوال بینجامد که می‌شود آن را به فال نیک گرفت و نشان داد ما توانایی آن را داریم که فستیوالی را که حتی ریالی از مخارج آن در بودجه جاری کشور پیش‌بینی نشده بود، با عظمتی آنچنان که شایسته اعتبار بخشیدن به مبانی هنر و فرهنگ ایران اسلامی بود برپا کنیم.

از دیگر سوی، تجربه نشان داد که با توجه به قابلیت و اعتبار هنرهای اصیل و سنتی ایران، هر يك از رشته‌های هنری عرضه شده در فستیوال می‌تواند موضوع برپایی يك فستیوال مهم و عمده باشد، امری که در واقع مهمترین دستاورد برای ما در تجربه فستیوال هنر ایران بود.

■ آقای صفی‌شما به عنوان مدیر اجرایی فستیوال، در يك داوری منصفانه، آیا نقاط ضعف یا قوتی را در حاصل کار مشاهده کردید؟

○ خوشبختانه ما با استفاده از برنامه‌ریزی مفصل و پیش‌بینی‌های لازمی که از قبل انجام داده بودیم موفق شدیم برپایی فستیوال را بر طبق همان برنامه‌ریزی قبلی به اجرا بگذاریم. همین است که می‌توانیم صادقانه بگوییم که کندی یا نارسایی در اجرای برنامه‌ها مطلقاً نداشتیم. فستیوال هنر ایران برای ما نخستین کار اجرایی در سطحی وسیع و گسترده بود. ما موفق شدیم در برخورد با افکار عمومی غربیها، در اجرای يك برنامه مشترک با طرف خارجی، آن هم با ارسال آثار گرانبیامت و ارزشمند و اعزام گروههای کثیری از هنرمندان و دست‌اندرکاران به خارج از کشور، تجربیات بسیار ارزشمندی کسب کنیم. همان تجربه‌هایی که می‌تواند در برنامه‌های آینده ما در اجرای سایر فستیوالها بسیار مفید و مؤثر و پربار قلمداد گردد.

اما به عنوان یکی از مواردی که شاید بهتر بود روی آن کار و فعالیت بیشتر و برنامه‌ریزی دقیقتری می‌کردیم، تبلیغات در محافل ایرانی خارج از کشور بود. تجربه

نشان داد که ما باید از قبل آنها را مفصلاً در جریان برپایی فستیوال قرار می‌دادیم. زیرا در طول برپایی فستیوال، ما مواجه با مراجعین ایرانی و بسیاری دیگر از علاقه‌مندان هنر ایران بودیم که می‌گفتند ما از برپایی چنین فستیوالی اطلاع نداشتیم و صرفاً به طور تصادفی از این امر مهم هنری و فرهنگی با اطلاع شده‌ایم.

تجربه دیگری که باز باید در اجرای سایر برنامه‌ها در نظر داشت، توجه به خواست مردم کشوری است که می‌خواهیم آثار هنریمان را در آنجا ارائه دهیم. ما در اجرای فستیوال هنر ایران چندان ارزیابی دقیقی از خواسته‌ها و گرایشهای فرهنگی و هنری مردم آلمان دربارهٔ هنرمان در اختیار نداشتیم. اگر هم مطالعاتی داشتیم بسیار اجمالی و کلی بود. فقط می‌دانستیم که مثلاً فرش ایران در آلمان طالب و راغب بسیار دارد یا در بارهٔ سایر هنرها گرایشهایی در میان هنردوستان و مردم وجود دارد. حال آنکه در عمل دریافتیم که ارائهٔ هنرهای ایرانی بعد از سالها در یک کشور اروپایی نیازمند شناخت کافی و تحلیلی دقیق از میزان آگاهی و اطلاعات مردم آن کشور از هنر ایران و نیز رشته‌های مختلف هنری مورد علاقهٔ آنان است.

□ در پایان، ضمن تأیید ضرورت این تحلیل و بررسی از سوی آقای صفحی، بنده به عنوان اختتام بحث طرح سه نکتهٔ اساسی را لازم می‌دانم:

۱- تأکید بر ویژگیها و برتریهای هنرهای سنتی و اسلامی ایران اسلامی است که دارای آنچنان بار معنایی و خلاقیت چشمگیر است که در واقع سزاوار و شایسته مطرح شدن در سطح جهان است.

۲- تجربه نشان داد که در سطح دنیا عطش و گرایش قابل ملاحظه‌ای برای شناختن مسائل هنری و فرهنگی ایران به وجود آمده است که در گذشته سابقه نداشته است. حال، دلیل این کشش و گرایش مسائل سیاسی باشد یا مسائل دیگر، چندان مهم نیست، مهم در نظر گرفتن این خواست و نیاز است.

۳- و مهمترین نکتهٔ دیگر، توجه به نتیجه‌گیری عده‌ای از اندیشمندان جهانی است که هنر مشرق زمین می‌تواند در هنر مغرب‌زمین تحولی بنیادی ایجاد کند. این اعتقاد افرادی همانند پتر بروک فرانسوی است. آنها

معتقدند که باید از خیلی از مبانی هنر شرق درس بگیرند و الهام، و شاید همین نیاز و کشش در سطح گسترده‌ترش باعث توجه عموم مردم دنیا به هنر ایران شده است.

به همین دلیل، ما موظفیم در این مقطع حساس و سرنوشت‌ساز در تجلی و تحول دوبارهٔ ارزشهای راستین هنر پربار و معنای سنتی ایران اسلامی، به یاری خداوند متعال، دین شایسته‌ای ادا کنیم.

برای انجام این رسالت و دین هم در سطح وسیع و گسترده، ما به مؤسسه‌ای بنیادی تحت عنوان «مؤسسهٔ هنر ایران» نیاز داریم تا مگر این مؤسسه بتواند جدا از چهارچوبها و ضوابط اداری، به گونه‌ای مستقل و مداوم، برپایی چنین فستیوالهایی را سازماندهی کند. چرا که در شرایط حاضر تجربه به ما نشان داده است که ارائهٔ فستیوالهای عظیم و بدون داشتن یک مرجع قانونی مشخص در حوزهٔ معاونت امور هنری، مشکل و چه بسا ناممکن است. به همین دلیل، مادری بنیانگذاری چنین مرکزی هستیم.

با این همه، با توجه به پیشنهادهای رسیده از سوی آلمان، ژاپن و... بعد از فستیوال دوسلدرف، ما هنوز پاسخی برای همکاری با آنان و اجرای فستیوال تدارک ندیده‌ایم. شاید دلیل عمدهٔ آن هم مطالعات جدید ما در بارهٔ اختصاصی‌تر کردن فستیوالها در آینده است. به عبارت دیگر، ارائهٔ همزمان آثار هر سه رشتهٔ عمده و مهم هنر ایران، یعنی تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی، را چندان مفید نمی‌دانیم.

البته در زمینهٔ موسیقی و تئاتر فعالیتهای برون مرزی ما نسبتاً گسترده و مفید بوده است، اما در زمینهٔ هنرهای تجسمی باید از این نخستین تجربه سود بیشتری کسب کنیم. چون آنچه در این باره مهم است ارائهٔ آثار گرانبیامت و ارزشمند و بازگرداندن آثار با اطمینان و سلامت کامل است که در این مورد مطالعات جدی شروع شده و بی‌گمان قصد آن داریم در آینده، به امید خدا، هنرهای تجسمی را پررنگتر و وسیعتر از فستیوال دوسلدرف در دیگر نقاط جهان عرضه و معرفی نماییم.